

امنیت هستی شناختی

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

پیمان وهاب پور



امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران / سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۴۴.

پیمان وهاب‌پور - تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۱.

۲۶۴ ص.

علوم سیاسی؛ ۱۴۶. امنیت؛ ۶۳

ISBN: 978-600-5282-60-3 ۸۰،۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱- امنیت ملی - ایران - ۱۳۵۸، منافع ملی - ایران، ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۵۸، ایران -

- روابط خارجی - ۱۳۵۸، وهاب‌پور، پیمان، ۱۳۶۳. پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج. عنوان.

۳۵۳/۱۲۲۴۰۹۵۵

DSR ۱۳۹۱ / ۱۶۵۲ / ۹۵ الف ۸

۲۹۶۱۳۷۵

کتابخانه ملی ایران

امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نویسندگان: دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و پیمان وهاب‌پور

ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی

چاپ و صحافی: کامیاب

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

تیراژ: ۳۰۰۰

بها: ۸۰،۰۰۰ ریال

شابک: ۳-۶۰-۵۲۸۲-۶۰۰-۹۷۸

تهران خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر

شرقی، شماره ۷ - صندوق پستی: ۴۱۵۵-۵۱۸۹

دورنگار: ۸۸ ۸۹۶۵۶۱

تلفن: ۸۸ ۹۱ ۲۸ ۳۰

تلفکس انتشارات: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۶ روابط عمومی: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۷

کلیه حقوق برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.



پژوهشکده مطالعات راهبردی

فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	۹
.....	مقدمه	۱۱
.....	پیشینه ادبیات و موضوع	۱۹
.....	پرسش ها و فرضیه های پژوهش	۲۱

فصل اول: چهار چوب نظری

.....	۱. امنیت هستی شناختی در سطح فردی	۲۹
.....	۲. امنیت هستی شناختی در سطح دولتی	۳۳
.....	۳. شرم و عزت؛ عوامل امنیت ساز	۴۱
.....	جمع بندی	۴۷

فصل دوم: هویت جمهوری اسلامی ایران

.....	۱. هویت و سیاست خارجی	۵۵
.....	۲. هویت جمهوری اسلامی ایران	۶۰
.....	۳. مبانی هویت ملی ایران	۶۲
.....	۳-۱. اسلام گرایی شیعی	۶۳
.....	۳-۲. ملی گرایی	۶۸

- ۳-۳. جهان سوم‌گرایی ۷۲
- ۳-۴. انقلابی‌گری ۷۴
- ۳-۴-۱. استکبارستیزی ۷۵
- ۳-۴-۲. ساختارشکنی از ترتیبات حاکم بر نظام بین‌المللی ۷۸
- ۳-۴-۲-۱. سیاست نه شرقی نه غربی ۸۰
- ۳-۴-۲-۲. صدور انقلاب ۸۰
- جمع‌بندی ۸۳

فصل سوم: رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس

۱. نظام اعتماد پایه در دوران دفاع مقدس ۹۶
۲. هویت در جنگ؛ اسلام در برابر کفر ۱۱۰
- جمع‌بندی ۱۱۴

فصل چهارم: منازعه ایران و آمریکا

۱. نظام اعتماد پایه جمهوری اسلامی ایران و رابطه با آمریکا ۱۲۶
- ۱-۱. سابقه تاریخی؛ محرک اصلی نظام اعتماد اولیه ۱۲۹
- ۱-۲. آمریکا‌ستیزی مهم‌ترین رکن نظام اعتماد اولیه در سیاست خارجی ایران ۱۳۹
۲. هویت جمهوری اسلامی ایران و رابطه با آمریکا ۱۴۲
- ۲-۱. مخالفت با هویت جمعی و سیاست خارجی ایران در برابر آمریکا ۱۴۶
- ۲-۲. آمریکا به عنوان دگر هویت‌ساز ۱۵۰
۳. شرف و عزت‌مندی در رابطه با آمریکا ۱۵۸
- جمع‌بندی ۱۶۵

فصل پنجم: سیاست هسته‌ای ایران

۱. عناصر نظام اعتماد پایه ایران در سیاست هسته‌ای ۱۸۸

۱-۱. هویت دولت مستقل.....	۱۹۰
۱-۲. هویت دولت کارآمد.....	۱۹۴
۱-۳. هویت دولت عدالت‌خواه.....	۱۹۷
۱-۴. هویت دولت مقاوم.....	۲۰۱
۲. عزت در پرونده هسته‌ای؛ ظلم‌ناپذیری در برابر فشارهای روزافزون.....	۲۰۷
جمع‌بندی.....	۲۱۴

فصل ششم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل

۱. نظام اعتماد پایه جمهوری اسلامی ایران و مقابله با اسرائیل.....	۲۲۶
۱-۲. اسلام سیاسی.....	۲۲۷
۲-۲. امت‌گرایی در سیاست خارجی.....	۲۳۰
۲. تثبیت هویت جمهوری اسلامی در منازعه با اسرائیل.....	۲۳۴
جمع‌بندی.....	۲۴۰
نتیجه‌گیری.....	۲۴۹

سخن ناشر

امنیت همچنان یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها و اساسی‌ترین مفاهیم روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی به شمار می‌آید. تامین آن، قبل از هر چیز نیازمند شناخت دقیق و الزاماً چهارچوب‌ها و نظریه‌های شناختی مفید و موثر است. امنیت هستی‌شناختی یکی از نظریه‌های جدید در مطالعه سیاست خارجی و رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است که طرح آن به انتشار مقاله جنیفر میتزین در سال ۲۰۰۶ برمی‌گردد. کاربرست این نظریه می‌تواند منظره‌ی متفاوت برای مطالعه و شناخت موضوعات و رفتار دولت‌ها ارائه داده و نقاط ضعف و قوت نظریه جدید را آشکار سازد.

پژوهشکده مطالعات راهبردی با علم به این موضوع بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در چهارچوب نظریه امنیت هستی‌شناختی در دستور کار قرار داده و حاصل آن را در قالب کتاب حاضر به علاقمندان حوزه مطالعات راهبردی، تصمیم‌گیرندگان حوزه سیاست و روابط خارجی، دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل عرضه می‌دارد. در همین حال پژوهشکده ضمن قدردانی از استاد گران‌سنگ روابط بین‌الملل آقای دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی و همکارشان آقای پیمان وهاب‌پور زحمت انجام این تحقیق ارزشمند را متقبل شده‌اند، امیدوار است یافته‌های این پژوهش مورد توجه صاحب‌نظران

قرار گرفته و درگاه جدیدی برای شناخت پیچیدگی‌های عرصه سیاست خارجی و مناسبات اجتماعی بازیگران عرصه بین‌المللی و در نهایت تأمین امنیت ملی بگشاید و زمینه‌ای بر انجام تحقیقات جدید و تعاملات فکری بیشتر این صاحب‌نظران، مراکز فکری و تصمیم‌گیری باشد.

معاونت پژوهشی

مقدمه

امنیت یکی از حوزه‌های اصلی مطالعه و تحقیق در رشته روابط بین‌الملل به شمار می‌رود. گرچه به منظور تدوین حکومت و حکومت‌داری تلاش شده است تعریف و تبیین جامعی از عوامل امنیت را و امنیت‌زدا ارائه شود، این امر با مشکلات بسیاری روبرو بوده است. از این رو، پیچیدگی در رفتارهای انسانی و کثرت عوامل مؤثر در اتفاقاتی که میان کشورها روی می‌دهد، همچنین تراحم و تداخل منافع و علایق آنها باعث شده است تنوری‌های روابط بین‌الملل در ارائه یک تبیین جامع و فراگیر درباره امنیت و تهدید با مشکلات جدی روبرو شوند.

توضیح و تبیین امنیت جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی آن به دلیل ماهیت و محتوای نظام سیاسی از پیچیدگی‌های بسیار زیادی برخوردار است که تاکنون به دقت درباره آن مطالعه نشده است. جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷، با ارائه یک الگوی جدید از نظام سیاسی وارد تعاملات بین‌المللی شد. این الگوی تعامل با ساختارهای مادی و معنایی نظام سیاسی بین‌المللی آن روز بسیار متفاوت و در بسیاری از جهات متضاد بود؛ زیرا بنیادهای فکری و پایه‌های این نظام سیاسی بر اساس متغیر «دین» بنا نهاده شد. دینی که طی چند سده قبل در نظام بین‌الملل و تعاملات میان حکومتی نقش مهمی بازی نکرده بود. نظام‌های حکومتی با دنیوی کردن امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، سکولاریسم را بنا نهادند و از آن به شدت حمایت کردند. مهم‌ترین هدف آنها نیز ایجاد امنیت و ثروت برای مردمان

خود بود. در حالی که نظام سیاسی جدید در ایران علاوه بر آن، به دنبال سعادت بشر در دنیا و آخرت بوده و است.

از مهم‌ترین اهداف حکومت تازه‌تأسیس بسط فرهنگ اسلام در گستره مرزهای داخلی و خارجی بود. براساس این دیدگاه، در تعریف امنیت و تهدید به وجوهی فراتر از امنیت فیزیکی و مادی اشاره می‌شد. به عبارتی امنیت جمهوری اسلامی ایران زمانی تأمین می‌شد که می‌توانست علاوه بر حفظ موجودیت نظام تازه‌تأسیس، محتوای آن را نیز حفظ کند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی باید اهداف آرمان‌های اسلامی را گسترش دهد و تربیت انسان‌ها را بر اساس موازین دینی و اخلاقی در داخل مرزهای سیاسی و تمامی دنیا بر عهده بگیرد.

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول و مبانی متفاوت و پیچیده‌ای وجود دارد که مطالعه پویش‌ها و رفتارهای ایران را در محیط بین‌المللی و در ارتباط با دیگر کشورها بر اساس نظریه‌های متعارف در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی با مشکل روبرو کند. این اصول در پیوند کامل با متغیرهایی است که تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران برای امر قطعی به آنها می‌نگرند. برای مثال در حوزه پیگیری منافع ملی، در کنار منفعت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی، می‌توان به پیگیری اهداف ایدئولوژیک همانند حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش نیز اشاره کرد که ممکن است با منافع اقتصادی نیز سازگاری کامل نداشته باشد اما به هیچ وجه به عنوان یک اصل و هدف مهم موضوعیت خود را از دست نمی‌دهد؛ به این معنی که در ایران مراجع انضمامی گفتمان‌های سیاست خارجی و امنیتی بر محور دفاع از هویت و هنجارهای اسلامی و سپس گسترش این ارزش‌ها استوار است. به همین دلیل مطالعه چگونگی به کارگیری و تأمین امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس نظریه‌های

مادی‌گرا^۱ بسیار سخت و حتی ناممکن است. زیرا در بسیاری از مواقع، اولویت اهداف سیاست خارجی ایران بیشینه‌سازی امنیت هویتی یا امنیت هستی‌شناختی^۲ است. پیگیری این هدف تأثیرات زیادی بر رفتارهای ایران و تعاریف سیاست‌گذاران خارجی آن دربارۀ صلح، جنگ، تهدید، دوست و دشمن داشته است. روابط ایران در بیش از سه دهه اخیر به قدری از امنیت هستی‌شناسی هنجاری و هویتی متأثر بوده که حفظ و تداوم آن جزو منافع حیاتی ایران شده است. برای نمونه، نوع تعریف ایران از سیاست خارجی در دوران دفاع مقدس، روابط ایران با آمریکا، مقابله با اسرائیل و پرونده هسته‌ای ایران مهم‌ترین دستور کارهای سیاست خارجی^۳ و امنیتی در این دوران بوده است که فقط با درک از امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی می‌توان آنها را تحلیل و تبیین کرد.

در بررسی جایگاه امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از منظری تنویریک، جریان‌های اصلی مطالعه روابط بین‌الملل^۴ متغیرهای مادی را در توضیح و تبیین موارد مذکور به کار می‌گیرند. به گونه‌ای که دایره علل و عوامل تهدید و ثبات یک موجودیت سیاسی، در دایره محدود عواملی چون امنیت فیزیکی، منافع مادی، توسعه و بیشینه‌سازی منافع ملی و همچنین بیشینه‌سازی قدرت ملی و دفاعی خلاصه می‌شود. همچنان که ونت اشاره می‌کند مادی‌گرایان در توضیح متغیرهای غیرمادی به عنوان عامل پدیده اجتماعی ناتوان‌اند.^(۱)

-
1. Materialist
 2. ontological security
 3. foreign policy agenda
 4. main stream

در دهه‌های اخیر به ویژه از ۱۹۸۰ به بعد، جریان معناگرایی^۱ به عنوان یکی از چرخش‌های نظری جدی در حوزه روابط بین‌الملل رخ داد. این جریان طیفی از پست مدرنیست‌ها تا سازه‌انگاران را در بر گرفته بود و باعث شد مناظره چهارم در عرصه این علم شکل بگیرد. نقد اصلی جریان معناگرا نقد از سه حوزه شناخت‌شناسی، روش‌شناسی و هستی‌شناسی مادی‌گرایان است: آنچه مبنای شناخت قرار می‌گیرد، آنچه مورد شناخت واقع می‌شود و آنچه ما را به مطالعه دقیق مورد مطالعه شده، رهنمون می‌کند. این سه حوزه در نظریه‌های جریان اصلی به شدت تحت تأثیر دیدگاه ماتریالیستی هستند؛ پست‌مدرن‌ها و سازه‌انگاران نیز نوک پیکان نقد خود را به این سمت نشانه گرفته‌اند. اما در حوزه امنیت و سیاست خارجی، از هستی‌شناسی مادی‌گرایان به ویژه به دلیل عدم توجه به متغیرهای معنایی و انگاره‌ای انتقاد می‌کنند.

مادی‌گرایان اعم از رئالیست‌ها و لیبرال‌ها در مطالعه امنیت به مواردی اشاره می‌کنند که دست‌کم برای تحلیل رفتارهای امنیتی جمهوری اسلامی در این سه دهه نمی‌تواند به تنهایی پاسخی منطقی ارائه کند. زیرا بر اساس این نظریه‌ها، دولت‌ها به دنبال تأمین منافع ملی و امنیت ملی - که بیشتر به صورت فیزیکی تعریف می‌شود - هستند. غایت یک سیاست خارجی موفق دستیابی به این منافع و دفع تهدیدهای برخاسته از توسعه‌طلبی بازیگران دیگر است. جمهوری اسلامی ایران نیز به ویژه در دوره‌های بحران برای مدیریت صحیح و معطوف به منفعت‌بایستی از منطق عقلانی^۲ تبعیت کند و بیشینه‌سازی امنیت و منفعت مادی را مد نظر داشته باشد. اما در عمل لزوماً و همواره چنین نبوده است، زیرا جمهوری اسلامی ایران در

1. ideationalist

2. rational logic

بسیاری از مواقعی که امنیت مادی خود را در معرض خطر و حتی نابودی دیده، از اصول رفتاری و هویتی خود عدول نکرده است.

واقعیت این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سی سال گذشته فراز و فروها و تداوم و تغییرهای زیادی داشته است. برخی از اصول بنیادی و ماهوی سیاست خارجی ایران مانند سلطه‌ستیزی، مبارزه با استکبار و حمایت از مظلومان و مستضعفان تداوم یافته است. در حالی که در چهارچوب این اصول و مبانی اساسی، جمهوری اسلامی ایران رفتارهای متفاوتی از خود نشان داده است. به طوری که حتی الگوی رفتاری ایران بر مبنای هر یک از این اصول نیز در همه حوزه‌ها یکسان نبوده است. از سوی دیگر، به رغم تغییر و تحولات در سطوح مختلف فردی، ساختاری، نهادی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بعضی از رفتارهای جمهوری اسلامی استمرار یافته است. ادامه قطع روابط ایران و آمریکا و پایایی مقاومت در برابر این کشور، تداوم مقابله راهبردی با رژیم صهیونیستی و حمایت بی‌دریغ از ملت فلسطین و پافشاری بر حفظ توان هسته‌ای در دوره‌های مختلف سیاست خارجی نمونه و گواهی بر این مدعاست.

براین اساس، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام برآمده از آن، همواره پرسش‌هایی درباره انگیزه‌ها و علل رفتار سیاست خارجی ایران طرح شده است: چرا جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر آتش‌بس در جنگ با عراق را نپذیرفت و به نبرد با رژیم بعث ادامه داد؟ چرا مقاومت و مقابله جمهوری اسلامی با آمریکا، با وجود تهدیدهای فیزیکی تداوم یافته است و چرا جمهوری اسلامی در جهت عادی‌سازی روابط و پایان دادن به منازعه گام برنمی‌دارد؟ بر پایه این پرسش‌های مشابه، این سؤال اصلی را می‌توان طرح کرد که: انگیزه و دلیل اصلی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی چیست؟ موضوع اصلی این است که چرا در سیاست خارجی ایران به رغم هزینه‌ها و تهدیدها، منازعات استمرار یافته است.

هدف این پژوهش پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها بر اساس نظریه و مفهوم امنیت هستی‌شناختی است. امنیت هستی‌شناختی لزوماً به معنای نفی امنیت فیزیکی نیست. این بدین معنا نیست که جمهوری اسلامی به هیچ وجه در جهت امنیت فیزیکی کام بر نمی‌دارد، زیرا هزینه‌های تحقیقاتی و اجرایی جمهوری اسلامی و همچنین پیشرفت‌های زیادی که در عرصه تولید سلاح متعارف در این دو دهه اخیر به دست آورده است، خلاف این ادعا را ثابت خواهد کرد. بلکه استدلال اصلی این نوشتار این است که امنیت هستی‌شناختی به معنای امنیت هویتی و تداوم نظام اعتماد پایه جمهوری اسلامی از متغیرهای اصلی تعریف «امنیت» است. تهدید برای جمهوری اسلامی زمانی معنا پیدا می‌کند که این هویت و نظام اعتماد با خطر روبرو شود.

برای نمونه، در زمینه مقاومت ایران در برابر آمریکا، اهمیت و اولویت امنیت‌طلبی هستی‌شناختی به‌عنوان هدف و انگیزه مبارزه و مقابله با این کشور در بیانات رهبران انقلاب و جمهوری اسلامی به روشنی تجلی یافته است. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «...جهان‌خواران... جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند... اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به‌عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند.»^(۲)

همچنین آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«اگر ملت و مسئولان شاخص‌های اصلی هویت اسلامی نظام را حفظ

کنند هیچ دشمنی قادر به آسیب رساندن به این کشور نخواهد بود...

عامل اصلی ایستادگی سی‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل

توطئه‌ها و فشارهای مختلف دشمن، هویت اسلامی نظامی است.

جمهوری اسلامی ایران نفی‌ها و اثبات‌هایی دارد که دلیل اصلی دشمنی‌ها نیز همین نفی‌ها و اثبات‌هاست... حفظ ساخت اصلی و هویت حقیقی نظام اسلامی مهم‌ترین وظیفه ماست و هویت حقیقی نظام در حکم روح، معنا و مضمون نظام است که حفظ ساخت حقوقی بدون حفظ این هویت حقیقی فایده‌ای ندارد. ساخت حقیقی و هویت اصلی نظام، آرمان‌های جمهوری اسلامی یعنی عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برابری و برادری، اخلاق، و ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن است.^(۳)

بنابراین، همچنان که گفته شد، الگوی تبیینی این پژوهش امنیت هستی‌شناختی است که به عنوان چهارچوب نظری برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهد شد. نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل و مطالعات سیاست خارجی، از نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز در سطح فردی استنتاج شده است. کشورها، همان‌طور که میتن استدلال می‌کند، مانند دیگر کنشگران اجتماعی نیاز به درک و فهم ثابت و مستمری از هویت فردی و ارجحیت‌ها، اهداف و منافع خود دارند. آنها برای هر کنش و اقدامی به یک هویت متعین نیاز دارند. کارگزاری انسان در عرصه اجتماعی یک فضیلت و هنر است که در صورت امنیت هویتی، تداوم خواهد یافت. امنیت هستی‌شناختی به نیاز کشورها به عنوان یک کل واحد و یکپارچه به تجربه هویت پایدار و مستمر و نه دائماً در حال تغییر و تحول، به منظور درک و تحقق معنا و مفهومی از کارگزاری، دلالت و اشاره می‌کند. کشورها باید از نظر هویتی و وجودی احساس امنیت کنند. این بدان معناست که امنیت هستی‌شناختی، همانند امنیت فیزیکی، محرک رفتاری اولیه و مهم کشورها در عرصه سیاست خارجی است.

براین اساس، جمهوری اسلامی ایران نیز امنیت هستی‌شناختی را در رأس علایق و منافع خود قرار می‌دهد؛ حتی ممکن است آن را بر امنیت فیزیکی خود ترجیح دهد و از هویت خود دفاع کند. این پژوهش به دنبال توضیح و تبیین این نظریه و کاربست آن در سیاست خارجی ایران است. مسئله‌ای که به‌رغم اهمیت آن، در جامعه علمی ایران به آن پرداخته نشده است.

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف متفاوتی از نظام سیاسی داخلی و محیط بین‌المللی دارد، متغیرهای قوام‌بخش آن نیز با دیگر بازیگران نظام بین‌الملل در بسیاری از ابعاد متفاوت است. از این رو، نظام معانی در سیاست خارجی ایران را که به رفتارها و تصمیم‌ها شکل می‌دهد، با رویکردهای غالب روابط بین‌الملل و حوزه مطالعات سیاست خارجی به آسانی نمی‌توان توضیح داد و تبیین کرد. بر همین اساس به نظر می‌رسد تحلیل‌های مادی‌گرایان درباره سیاست خارجی ایران، استحکام و جامعیت ندارد و نمی‌تواند تصویر مناسبی از عوامل مؤثر بر آن ارائه کنند. اما نظریه امنیت هستی‌شناختی به عنوان نظریه‌ای جدید و نوپا در محافل آکادمیک، به ویژه در مطالعات مربوط به سیاست خارجی، می‌تواند برخی از جوانب امر را با دقت لازم بررسی کند و طرحی نو دراندازد. هدف این تحقیق از یک سو ترمیم این گسست است و از سوی دیگر غنی‌تر کردن ادبیات مربوط به سیاست خارجی ایران که پیش از این حتی در حوزه‌های کلاسیک نیز کمتر به آن پرداخته شده است.

همچنین این پژوهش به دنبال دستیابی به تحلیلی جامع در حوزه پوشش‌ها و رفتارهای سیاست خارجی ایران به ویژه درباره مسائل مهمی چون جنگ عراق علیه ایران، روابط منازعه‌آمیز و تنش‌آمیز ایران و آمریکا، تهدیدهای اسرائیل علیه ایران و همچنین برنامه راهبردی هسته‌ای ایران است که تاکنون کمتر از منظری تنوریک به آن پرداخته شده است. در واقع هدف پاسخ‌گویی به سؤال‌های متعدد و در عین

حال حل نشده پژوهشگران و دانشجویان در این عرصه و ارائه راهکارها و راه‌حل‌هایی برای سیاست‌گذاری است.

پیشینه ادبیات و موضوع

در رابطه با موضوع پژوهش، تحقیق مستقل و واحدی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور صورت نگرفته است. داخل کشور بعضی از آثار صرفاً از نظر تاریخی به نمونه‌های مطالعاتی پرداخته و برخی از رفتارهای جمهوری اسلامی را در قبال مسائل پیش آمده بررسی کرده‌اند. از جمله این نوشته‌ها می‌توان به کتاب «رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا» نوشته جمیله کدیور^(۴) اشاره کرد. نویسندگان کتاب با طرح این سؤال که دلیل اصلی نگرانی آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی ایران چه بوده است؟ این فرصت را طرح می‌کنند: دلیل نگرانی آمریکا از پیروزی انقلاب از دست دادن یک بازار بزرگ برای محصولات این کشور، به هم خوردن توازن منطقه‌ای، اعلام سیاست‌های داخلی و خارجی از سوی ایران که برای غرب مخاطره‌آمیز بود و رشد گرایش‌های اسلام‌خواهانه و امکان وقوع تحرکاتی مشابه انقلاب اسلامی ایران در نقاط دیگر بود.

وی مطالب خود را در سه فصل و ده بخش ارائه می‌کند. در فصل اول، به بررسی علل فروپاشی رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. در فصل دوم به پیامدها و تأثیرات اجتناب‌ناپذیر پیروزی انقلاب اسلامی در سه عرصه اقتصادی، سیاسی - امنیتی و بیداری اسلامی و رشد جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان اسلام اشاره می‌کند و در فصل سوم به بررسی اثرات تحولات انقلابی بر مواضع آمریکا می‌پردازد.

نویسنده با روشی تاریخی - تحلیلی تلاش می‌کند بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی و سیاست خارجی ایران را در قبال آمریکا تبیین کند. این کتاب بدون

استفاده از مباحث تئوریک صرفاً مباحث کلی را در رویارویی ایران و آمریکا بررسی می‌کند و درباره سیاست‌ها و رفتارهای ایران در قبال ایالات متحده آمریکا سخنی به میان نمی‌آورد.

کتاب دیگری که در این زمینه می‌توان ذکر کرد «ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه»^(۵) است که مؤلف آن امیرمحمد حاجی‌یوسفی است. این کتاب با استفاده از رهیافتی تاریخی - تحلیلی به بررسی روابط ایران و اسرائیل از دوره پهلوی دوم تا دوره معاصر می‌پردازد. نویسنده در هشت فصل، مباحث خود را سازماندهی و از تاریخ روابط ایران با فلسطین پیش از تشکیل رژیم صهیونیستی شروع می‌کند و سخن خود را با پیامدهای امنیتی مناسبات خصمانه ایران و رژیم صهیونیستی بر امنیت خاورمیانه به پایان می‌رساند. کتاب به‌رغم اتخاذ رهیافتی معناگرایانه و سازه‌انگارانه به مسئله امنیت هستی‌شناسی و تأثیر آن بر تداوم منازعه اشاره‌ای نکرده است.

از آثار دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد و درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران منتشر شده است، مقاله حمیرا مشیرزاده تحت عنوان «بنیادهای گفتمانی سیاست هسته‌ای ایران» است که در مجله «گفتگوی امنیت» به چاپ رسیده است.^(۶) وی با بررسی تداوم و تغییر در سیاست هسته‌ای ایران رهیافت گفتمانی را برای تبیین پیچیدگی پرونده هسته‌ای ایران ارائه می‌کند. بحث اصلی مقاله این است که سه گفتمان در سیاست خارجی و به تبع آن دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که در شکل‌گیری هویت جنبش انقلابی ۱۳۵۷-۱۳۵۶ و پس از آن هویت جمهوری اسلامی نقش بازی می‌کنند. این هویت نیز در شکل‌گیری سیاست هسته‌ای ایران نقش مهمی بازی می‌کند. گفتمان‌های استقلال و عدالت به مقاومت ایران در برابر فشارهای بین‌المللی معنا می‌بخشد و گفتمان مقاومت می‌تواند عدم انعطاف در مذاکرات را تبیین کند. این مقاله به‌رغم ارائه تحلیلی جامع

و مبتنی بر گفتمان در سیاست هسته‌ای ایران در پاسخ‌گویی به این سؤال که چرا به‌رغم وجود تهدیدها این پرونده منازعه‌آمیز بسته نمی‌شود و جمهوری اسلامی به‌رغم تهدیدهای بسیار، این هویت را بر امنیت فیزیکی ترجیح می‌دهد، پاسخ روشنی ارائه نمی‌کند.

بنابراین، هیچ یک از منابع و آثار مذکور، در عین سودمندی، منازعه‌پایدار ایران در سیاست خارجی بر مبنای نظریه امنیت هستی‌شناختی تبیین و تحلیل نمی‌کنند. این رویکرد مهم‌ترین سهم این پژوهش معرفی و چگونگی کاربری نظریه امنیت هستی‌شناختی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

براساس این توضیحات پرسش‌هایی را به شرح زیر می‌توان طرح کرد. پرسش اصلی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که انگیزه و دلیل اصلی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منازعات پایدار چیست؟ برای پاسخ به این سؤال پرسش‌های فرعی نیز طرح می‌شود: چرا جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر آتش‌بس با عراق را نپذیرفت و به دفاع مقدس در برابر رژیم بعث عراق ادامه داد؟ چرا مقاومت جمهوری اسلامی در برابر آمریکا به‌رغم وجود تهدیدهایی برای امنیت فیزیکی تداوم یافته است و جمهوری اسلامی در جهت عادی‌سازی روابط و پایان دادن به منازعه گام برنمی‌دارد؟ چرا مقابله جمهوری اسلامی با اسرائیل به‌رغم وجود تهدیدهای امنیت فیزیکی تداوم یافته است؟ چرا منازعه و مقابله جمهوری اسلامی و غرب بر سر پرونده هسته‌ای به‌رغم وجود تهدیدهای امنیت فیزیکی تداوم یافته است و جمهوری اسلامی در این زمینه فشارها را تحمل کرده و از حقوق و خواسته‌های خود عدول نمی‌کند؟ این سؤالات فرضیه‌هایی را در ذهن ایجاد می‌کنند. فرضیه اصلی در این پژوهش این است که مهم‌ترین دلیل و

انگیزه رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منازعات پایدار جستجو و تأمین امنیت هستی‌شناختی است. این امر خود را در عرصه‌های مختلف نشان داده و بر رویدادهای روابط خارجی جمهوری اسلامی تأثیر گذاشته است. برای مثال، درباره موضوعات مهم سیاست خارجی کشور می‌توان گفت که مهم‌ترین انگیزه در تداوم دفاع مقدس پس از فتح خرمشهر تأمین امنیت هستی‌شناختی از طریق تثبیت و تقویت هویت اسلامی - انقلابی است. یا اینکه جمهوری اسلامی ایران با اعتماد و اعتقاد به ماهیت و هویت سلطه‌جو و ضد اسلامی آمریکا، تأمین و تثبیت امنیت هستی‌شناختی خود را که به معنای حفظ و تداوم هویت انقلابی - اسلامی است در چهارچوب مقاومت و مقابله با آمریکا پیگیری می‌کند. این پژوهش در هشت فصل سامان یافته شده است.

در فصل اول به چهارچوب نظری یعنی امنیت هستی‌شناختی می‌پردازیم. در این فصل تلاش می‌شود قبل از ورود به مصادیق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چهارچوب نظری امنیت هستی‌شناختی بر اساس رویکرد می‌تزن و استیل توضیح داده شود. هر چند رویکرد این دو در این نظریه کاملاً مانند هم نیست، تلاش شده است با ترکیب این دیدگاه علاوه بر تبیین ساختار نظری کتاب، ادبیات نظری حوزه سیاست خارجی نیز غنی‌تر شود. فصل دوم، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران را ارزیابی می‌کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شدت تحت تأثیر سیاست هویتی است. در این فصل به تعریف عناصر هویت‌ساز و ماهیت جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. تصویری که دیگران از ایران در ذهن دارند، نتیجه تصویری است که رفتارها، ایده‌ها، قواعد و هنجارهای حاکم بر سیاست خارجی در تعامل با دیگران و در سطح ساختارهای اجتماعی نظام بین‌الملل ارائه شده است. در فصل سوم نظریه امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره دفاع مقدس به ویژه پس از فتح خرمشهر بررسی می‌شود. در

تبیین علل و عوامل مهم در تعیین رفتار جمهوری اسلامی طی جنگ عراق علیه ایران دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. در این فصل تلاش می‌شود با رویکرد نظری این کتاب به این سؤال مهم پاسخ داده شود که چرا دفاع ایران بعد از فتح خرمشهر تداوم داشت و چه متغیرهایی بر این امر دخیل بودند؟

منازعه ایران و آمریکا پایدارترین مناقشه سیاست خارجی جمهوری اسلامی طی سی و دو سال گذشته به شمار می‌رود. منازعه‌ای که به‌رغم فراز و فرودها و قبض و بسط‌ها که گاهی به برخورد مستقیم نظامی نیز منجر شده، استمرار یافته است. در حالی که بعضی از مواقع و در برخی از حوزه‌ها، دو کشور منافع مشترک داشته‌اند، یا امنیت فیزیکی و مادی هر دو تهدید و تضعیف شده است. سؤال اینجاست که انگیزه رفتاری جمهوری اسلامی در تداوم این مقاومت و مبارزه را چگونه می‌توان تحلیل و تبیین کرد؟ تلاش ما در فصل چهارم پاسخ به این پرسش است.

از سویی دیگر فعالیت هسته‌ای ایران نه تنها یکی از محورها و مسائل اساسی سیاست خارجی کشور را تشکیل می‌دهد بلکه مولفه و متغیر تأثیرگذاری در مناسبات جهانی و منطقه‌ای به شمار می‌رود. این امر بررسی منطق سیاست هسته‌ای ایران را ضروری می‌کند. زیرا در سایه تبیین آن می‌توان به بسیاری از پرسش‌های دیگر نیز پاسخ داد. دیپلماسی هسته‌ای ایران به‌رغم وجود تهدیدهای فیزیکی مستمر، راه خود را برای رسیدن به اهداف خود ادامه می‌دهد. این منطق رفتاری در فصل پنجم توضیح داده شده است. در فصل ششم، امنیت هستی‌شناختی و مقابله با اسرائیل بررسی می‌شود. مقابله با رژیم صهیونیستی و عدم شناسایی آن به عنوان یک بازیگر متعارف و تلاش برای انزوای آن در نظام بین‌الملل و افکار عمومی جهانی، منازعه ایران و اسرائیل را به یک نزاع طولانی تبدیل کرده و بر دیگر رفتارها و تصمیم‌های دولتمردان و نهادهای دخیل در سیاست خارجی تأثیر گذاشته است، به گونه‌ای که تردید در تداوم چنین نزاعی

امکان‌پذیر نیست. در این فصل بر اساس رویکرد نظری این کتاب به واکاوی دلایل و متغیرهای دخیل در این رابطه مبادرت خواهیم کرد. در فصل آخر نیز به گزاره‌های استنتاجی از مباحث فصول مختلف که بیانگر منطق رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است پرداخته خواهد شد.

www.ketab.ir

منابع

1. Wendt, A. (1999) *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲. اطلاعات ۲۹/۴/۱۳۶۷.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه علم و صنعت. ۱۳۸۷/۹/۲۴.
۴. کدیور، جمیله (۱۳۷۹)، *رویارویی: انقلاب اسلامی ایران و آمریکا*، تهران: چاپ اول، انتشارات اطلاعات.
۵. حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۲)، *ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه*، تهران: چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
6. Moshirzade H. (2007) "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, 38, 4.
7. Giddens, A. (1991) *Modernity and self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Cambridge: Polity, p. 243.
8. Mitzen J.(2004) "Ontological Security in world Politics and Implications for the Study of European Security" *the CIDEI Workshop*, Oslo. p.20.
9. Burchill, Scott...[et al]. (2001) *Theories of International Relations* London: Palgrave.

10. Wendt, *Op. Cit.* pp: 10- 55.

۱۱. مشیرزاده حمیرا (۱۳۸۳) «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۳، ص ۱۷۰.

12. Wendt, *Op. Cit.* p224.

13. Olejacob, Sending. (2002) "Constitution, Choice and Change: Problems with the 'Logic of Appropriateness and its Use in Constructivist Theory" *European Journal of International Relations*, 8, 4: 443-470

www.ketab.ir